

تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری خط آسمان شهری

مهندس احمدعلی نامداریان*، دکتر علی غفاری**، دکتر محمود قلعه نویی***،
دکتر علی سلطانی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۲۳ ، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۵/۱۷



چکیده

نمای شهری محملی است که شهر از طریق آن متجلی می‌شود. مطالعه شهرهای تاریخی حکایت از وجود هماهنگی بین بافت کالبدی و اجتماعی هماهنگی و همچنین توجه به خط آسمان و جزئیات نما دارد. اما سرعت بالای تغییرات جامعه امروز مانع شکل‌گیری هارمونی بین بافت کالبدی و متن اجتماعی است. این مقاله با روش مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی، به بررسی عوامل مختلف بر شکل‌گیری خط آسمان شهری در دوره‌ها مختلف پرداخته است. در ادامه مقایسه خط آسمان شهرهای مدرن و شهرهای پیش مدرن صورت گرفته است. نتایج این بررسی نشان داد که خط آسمان شهرهای دوران مدرن (عصر سرعت و ماشین) بیشتر تحت تأثیر بنیان‌های اقتصادی و نیروهای سرمایه داری بوده است و در واقع در این دوران شاهد کالاشدگی خط آسمان است. بنابراین برای کاستن از آشفتگی و ناخوانایی شهرهای مدرن بایستی ضمن به رسمیت شناختن همه بنیان‌های شکل دهنده به شهر، نظارت لازم بر اثرگذاری آنها بر خط آسمان صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی

خط آسمان شهری، بنیان‌های شکل‌گیری، خط آسمان شهرهای مدرن، آشفتگی، هماهنگی

* دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران. (مسئول مکاتبات) Email:Ahmadnamdarian@arch.iust.ac.ir

** استاد دانشگاه شهید بهشتی.

*** استادیار گروه طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان.

**** دانشیار شهرسازی دانشگاه شیراز.

۱-۱-۱- مقدمه

مرور شهرهای گوناگون در دوره‌های تاریخی، فلسفه وجودی آنها را آشکار می‌کند. شهرها تحت تأثیر نیازهای روز مردمان مختلف اشکال متفاوتی به خود گرفته‌اند. آن‌چنان که شهرها را آینه تمدن‌های مختلف می‌دانند و یکی از مستندات بررسی تمدن‌های گذشته رجوع به آثار معماری و شهری آنهاست. نگاه به شهر تنها از یک زاویه، برخوردی ساده‌انگارانه است چرا که شهر «پدیده» ای متکثر و چند وجهی است. حضور گروه‌های مختلف اجتماعی، ظهور فناوری‌های گوناگون، تأثیر نیروهای طبیعی و بسیاری عوامل دیگر بر پیدایش شهرها اثرگذار بوده‌اند. مطالعات بسیاری نشان داده که بعد کالبدی و بعد اجتماعی شهرها تأثیر متقابلی بر یکدیگر می‌گذارند. اما آنچه که برای شهرهای مدرن اتفاق افتاده‌ای از زمینه‌ها و بستری بود که تا پیش از این به شهرها شکل می‌دادند و در دوره مدرن به چهار شاخصه سکونت و کار و تفریح و حمل و نقل تقلیل داده‌شد. در حالی که از دوران مدرن «جمع اضداد» است که برابند آنها در شگفتی به کالبدی هماهنگ می‌رسید. در صورتی که جریان مدرن با نادیده گرفتن این عوامل نتوانست به وحدت کافی دست پیدا کند و آشفتگی بی‌سابقه‌ای را نیز به شهرها تحمیل کرد. شهروندان به ساکنانی منزوی و سرگردان در محیط‌های انسان‌ساخت تبدیل شدند. هلر به پیروی از لوکاج متوجه روش‌هایی شده‌است که در آن ناهمگنی زندگی روزمره تابع فرایند همگن‌سازی بوده‌است. از این رومی‌توان به فرایندی مقدماتی از تفکیک استناد کرد که در آن علم و هنر و فلسفه و سایر اشکال دانش نظری که از اساس درون زندگی روزمره ریشه دوانده‌اند از آن جدایی‌شوند و تابع تحولی می‌شوند که متخصصان موجد آن هستند (Featherston, 1992). مسئله این است که چگونه می‌توان هم‌زمان در ساخت آینده شهر این عوامل را دخالت داد و در عین حال، ساخت کالبدی شهر را از آشفتگی حاصل از تنوع این عوامل حفظ کرد.

پرسش‌های پژوهش

- بنیان‌های شکل‌دهنده به خط آسمان شهری کدامند و چگونه بر خط آسمان شهری تأثیر می‌گذارند؟
- خط آسمان شهرهای مدرن متأثر از چه عواملی بوده‌است؟
- چگونه می‌توان ضمن به رسمیت شناختن همه بنیان‌های شکل‌دهنده به خط آسمان شهرها، خط آسمانی هماهنگ، خوانا و واجد هویت داشت؟

۱-۱-۲- علل شکل‌گیری شهر

در مورد عوامل شکل‌دهنده شهر دیدگاه‌های گوناگونی ابراز شده‌است. در واقع، شهرها بنا بر نیازهای گوناگون شهروندان اشکال مختلفی به خود گرفته‌اند. علت شکل‌دهندگی شهرها، استعداد بشری است، که از طریق شهود و برآورد، آنچه که باور و عمل می‌شود را مورد قضاوت قرار داده و توضیح می‌دهد (Madanipour, 2007, 3).

بنیان‌های ماوراء طبیعی

نخستین علت شکل‌دهی شهرها، بنیان‌های جهان‌بینی و اعتقادی است که مدنی پور (۲۰۰۷) آن را بنیان ماوراء طبیعی می‌نامد و آن را علتی می‌داند که در طول تاریخ و در میان فرهنگ‌های گوناگون به ساخت اجتماعی و کالبدی شکل داده‌است. فلسفه شکل‌گیری بسیاری از اجتماعات بشری اعتقاد به خدایان بوده‌است که مکانی مشترک را برای عبادت می‌طلبید و در واقع شهر، براساس اراده و قوانین خدایگان شکل می‌گرفت. به اعتقاد برخی از محققان منشأ شهرها، در حقیقت، خدا نقش بسیار متعالی در شهر دارد، بالاتر از پادشاهان و بازار (Kostof, 1992, 82). پائول ویتلی^۲ معتقد است جستجو در هسته تاریخی شهر برای یافتن سرمنشأ شکل‌گیری شهرها به یک مرکز آیینی خواهد رسید. اولین ساختمان‌هایی که دیگر صرفاً به خاطر پناه انسان در مقابل طبیعت ساخته نشده‌اند، آثاری آیینی هستند و فرم و ساختار آنها تنها محتوای اعتقادی دارد (گروتز، ۱۳۸۳، ۶۰). از نگاه هانس هولاین^۳ نیز ساختن نیازی است انسانی و این نیاز خود را تنها در برافراشتن سقفی بر بالای سر نشان نمی‌دهد، بلکه بیشتر در به وجود آوردن بنایی آیینی یعنی کانونی برای فعالیت‌های انسانی که ظاهر می‌شود (همان). بنتلی (۱۹۹۹) از روح زمان^۴ سخن می‌گوید و معتقد است شرایط تاریخی نیازهایی دارد، از قوانین منعطفی پیروی می‌کند و فرم شهرها پاسخی منطقی است به این نیازها. همچنان که گفته شده فرهنگ و تمدن هر سرزمین، عمیقاً از مذهب و اندیشه‌های معنوی آن متأثر بوده و این تفکر همواره عینیت کالبدی خود را در معماری تجلی بخشیده‌است (نقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). تعداد دروازه‌های شهر، ساخت معابد و مکان‌های مذهبی در گره‌های استراتژیک شهر، فرم مکان‌های مذهبی و موارد دیگر همگی از تأثیرات بنیان‌های ماوراء طبیعی شهرهاست.

از تأثیرات بنیان ماوراء طبیعی بر خط آسمان شهری آن است که معابد بر تپه‌ها بنا می‌شده‌اند تا بر شخصیت شهر، حس جهت‌گیری و هویت شهر اثرگذار باشند. بناهای آیینی در مهم‌ترین بخش‌های شهر ساخته می‌شده‌اند به طوری که مسیرهای شهر به آنها منتهی

رقیب نیروهای ماورایی ظاهر می‌شود و سعی در برقراری نظم نوین در شهر دارد. بنیان عقلانی از دوران رنسانس اوج گرفته و تمایل دارد نظم هندسی را به جهان قالب کند (Madanipour, 2007, 36). این جریان بنیان جدیدی را تعریف کرد که بر شهود انسانی و توسعه علم و فناوری استوار بود و الهام بخش مردم برای تصور جهان به‌عنوان ماشین بود (همان). کانت به‌عنوان پیشگام روشنگری آلمانی در خصوص بنیان عقلانی چنین می‌گوید: «خرد باید به طبیعت نزدیک شود تا از آن بیاموزد؛ اما نه در شخصیت شاگردی که آنچه استادش دوست دارد می‌پذیرد، بلکه در مقام یک قاضی انتصابی که گواهان را وامی‌دارد به سؤالاتی که خود او مطرح می‌کند پاسخ دهند» (پیوری ۱۳۶۶، ۱۸).

چند شاخصه برای بنیان عقلانی ذکر شده‌است؛ تغییر تمرکز از نیروهای متافیزیکی به انسانی، طراحی شهر توسط یک نفر، انسان به‌عنوان مرکز جهان، توسعه هماهنگ با استفاده از نقاط و گره، توسعه با استفاده از محورها، توسعه هماهنگ با استفاده از شبکه‌ها و بلوک‌ها (Madanipour, 2007). با ظهور علل سکولار در شکل‌دهی به شهرها در برابر نیروهای متافیزیکی، یک دوگانگی در ساخت شهر و در نتیجه خط آسمان شهری نیز دیده می‌شود. بناهای نماینده عقاید و ایدئولوژی‌ها در برابر ساختمان‌های بنا شده توسط گرایش‌های سکولار و عقلانی. تباین بصری در منظر شهرها، اغلب میان کلیسا و حکومت از

گردند. مطالعه شهر آتن توسط ادموند بیکن از اهمیت آکروپولیس و جاده آتنا در شکل‌گیری آتن خبر می‌دهد (بیکن، ۱۳۷۶، ۶۷). «تا زمان سکولاریزه شدن حکومت‌ها، عنصر شاخص خط آسمان، معماری بناهای مذهبی بود. آنها اغلب بر قسمت‌های با ارزش طبیعی یا انسان ساخت واقع می‌شدند توده معماری آنها ارتفاع می‌گرفت و برجستگی بصری آنها به وسیله حائل‌هایی که تا آسمان بالامی‌رود غنی‌تر می‌شد» (Kostof, 1991, 290).

بنیان‌های سکولار

در برابر بنیان‌های ماوراء طبیعی و آسمانی، گرایش‌های زمینی و سکولار قرار دارد. این بنیان‌ها توسط پادشاهان و نخبگان جامعه سعی در اثرگذاری بر تحولات شهر داشته‌اند و در پی آن بوده‌اند که شهر را به نفع خودشان جهت دهند. کوستوف (۱۹۹۲) معتقد است گسترش پادشاهی در دگرگونی بنیان‌های آسمانی به زمینی نقش داشته‌است. همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که سکولاریزه کردن یک واژه نسبی است تا وقتی که پادشاهان و کشیشان به اندازه مساوی توسط باورهای مذهبی‌شان محدود می‌شوند.

سکولاریزه کردن شهرها به معنای کم‌رنگ کردن و به حاشیه راندن نیروهای ماوراء طبیعی و تقویت نقش عقلانی انسان در شکل‌دهی به ساختار شهر است، اما لزوماً به معنای حذف بنیان‌های متافیزیکی از جریان تأثیرگذاری بر شهر نیست. در این حالت عقلانیت به‌عنوان



شکل ۱. گفت و گوی بنیان ماوراء طبیعی و دنیوی در سینا^۵
(Source: Moughtin et al., 1992)



شکل ۲. نقش نیروهای طبیعی در خط آسمان شهری: شیراز، دروازه قرآن

طریق برج‌های مهم شهری و ناقوس کلیسا روی می‌داد. البته ارتفاع آشکارترین عنصر این تقابل است ولی دیگر تمایزات طراحی نیز می‌تواند به همین اندازه مؤثر باشد. در توسکانی مصالح مختلف با رنگ‌های متضاد، این تقابل را بیان می‌کنند. در سینا (مطابق شکل ۱) برج آجری شهر خود را از دل کمپو جدا کرده تا به توده سفید کلیسا پاسخ گوید (Kostof, 1991, 296). اقدامات سیکتوس پنجم، خیابان‌های باروکی، میدان‌های عظیم دوران رنسانس و پس از آن نمادهایی از ساخت و سازهای بینش عقلانی و تأثیرشان بر شهرها هستند. خط آسمان شهری بسته به چگونگی ارتباط بنیان‌های ماوراء طبیعی و عقلانی از آنها متأثر می‌شده است.

بنیان‌های طبیعی

مفهوم «طبیعی» یک مفهوم عام برای ارجاع به تمام جنبه‌های جهان مادی است که از کنترل انسان خارج است. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهرها، عوامل طبیعی چون فرم و توپوگرافی زمین، شیب زمین، مسیر آب، جهت باد غالب و موارد دیگر است. در اینجا تأثیر جبر محیط و محدودیت‌های آن همراه با پاسخ‌هایی که انسان به این محدودیت‌ها داده است مورد توجه قرار می‌گیرد. در پاسخ به این محدودیت‌هاست که شهرها بافت اندام‌واره به خود می‌گیرند. یکی از ویژگی‌های این بافت‌ها وجود نوعی همگنی و تناسب بافت با ارزش‌ها و ویژگی‌های طبیعی است که منعکس‌کننده هویت شهری است (سلطانی و نامداریان، ۱۳۸۹). پاسخ انسان به این محدودیت‌ها حاصل درس‌هایی است که از گذشتگان آموخته است. بنیان طبیعی را می‌توان در تقابل با بنیان عقلانی دانست که سعی دارد بر طبیعت غلبه کرده و آن را رام سازد. نقش نیروهای طبیعی بر فرم شهری و به تبع آن بر خط آسمان شهری در قالب ایجاد دیدهای گستره، مخروط دیدها، دید متوالی ظاهر می‌شود (شکل شماره ۲).

بنیان‌های فناوری

فناوری‌ها و دستاوردهای تکنیکی بشر در طول تاریخ همواره بر شکل‌گیری شهرها اثرگذار بوده‌اند. در دوره‌هایی که ابزار و فناوری کارا تر در خدمت بشر آمده شهرها و در نتیجه خط آسمان شهری شکوهمندتر به نظر می‌آمده‌است. فناوری‌های به کار رفته در تمدن‌های باستانی مصر، ایران، چین و روم و پس از آن انقلاب صنعتی در اروپا تأثیر بسزایی در بافت و خط آسمان داشته‌است و عناصر رؤیت‌پذیر منظر شهری نمایانگر توان فناورانه جامعه‌اند. چنان‌که محدودیت‌های ارتفاعی شهرهای باستانی به کمبود فناوری نسبت داده شده می‌شود (کرمونا و همکاران، ۱۳۸۸). با توسعه فناوری خصوصاً پس از انقلاب صنعتی، انسان قادر به ساخت بناهایی شد که نسبت به بناهای دوران پیش، از نظر ارتفاع، مصالح، رنگ، سازه، وزن و شکل تغییر محسوس داشته‌باشند و به این ترتیب توسعه فناوری می‌توانست خط آسمان شهری را متأثر سازد. بنیان فناوری در شهرها در دوران مدرن با ساخت کریستال پالس اعلام حضور کرد و با ساخت برج ایفل خود را تثبیت نمود. در حالی که در دوران پیش از مدرن، برترین فناوری‌ها در جهت ساخت بناهای مذهبی و حکومتی به کار گرفته می‌شد، در دوران مدرن نیروهایی آزاد شدند و در تحولات شهری تأثیر گذاشتند مثل نیروهای اقتصادی جدید در هیأت بانک‌ها و نهادهای خصوصی، موسسات بیمه، هتل‌ها و شرکت‌ها.

بنیان اقتصادی

یکی از انگیزه‌های فعالیت‌های انسان کسب درآمد و رفاه کافی است. نیروهای اقتصادی در تمام دوران تاریخ در اشکال مختلف بر فرایند تحولات شهری اثر گذاشته‌اند. حضور قشرهای گوناگون اقتصادی در اطراف آگورای یونان یا بازار اسلامی نشان از



شکل ۳. تأثیر بنیان فناوری بر ساخت شهر لس‌آنجلس آمریکا؛
(Source: Madanipour, 2007)



شکل ۴. نقش نیروهای اقتصادی در خط آسمان شهری (شیراز، هتل چمران)

ریشه‌دار بودن این بنیان دارد. اما وجه تمایز این نیروها در دوران پیش از مدرن و پس از آن، در میزان استقلال این نیروهاست. در دوران پیش از مدرن، نیروهای اقتصادی عمدتاً در خدمت بنیان‌های ماوراء طبیعی و یا طبقه حاکم بود. پس از ظهور تفکر عقلانی، اندیشه‌های انسان از قید اسطوره‌ها و خرافات آزاد شد. فردیت فرد مورد توجه قرار گرفت و این به معنای پیدایش

گروه‌هایی مستقل از طبقه حاکم و کلیسا بود که داعیه رقابت با آنها را نیز داشت. نمود استقلال نیروهای تازه آزاد شده در قالب معماری جدید در ساخت شهر خود را نشان داد. از آثار و تبعات تأثیر این نیرو بر بافت کالبدی شهرها، بی‌نظمی و ناهمگنی در ساخت کالبدی شهر، اختلال در خط آسمان، سیمای شهری نامتجانس و پراکندگی عناصر اصلی شهر و تأثیر سرمایه در توسعه

شهرها بوده است (سلطانی و نامداریان، ۱۳۸۹) (شکل ۴).

گسترش می‌یافت. مطالعه بیکن (۱۳۷۶) بر روی شهرهایی مثل ونیز تأییدی است بر این نکته. خلاصه‌ای از بنیان‌ها، ویژگی‌ها و تأثیرشان بر خط آسمان شهری، در جدول ۱ آورده شده است.

بنیان اداری

با تغییرات سریع انقلاب صنعتی و آزادسازی عقلانی در جریان مدرنیسم، پراکنده‌روی شهرها و گسترش بدون نظارت در شهرها افزایش یافت. آسمان‌خراش‌ها قارچ‌گونه رویدند و منظر و خط آسمان شهری دچار تشویش و بی‌نظمی زیادی شد. همان‌طور که فقر و شکاف طبقاتی در شهرها گسترش می‌یافت، بناها بدون ارتباط خاصی با دیگر بناها و در گسستگی با تاریخ ساخته می‌شدند. در این حالت برای مهار رشد لجام‌گسیخته شهرها، نیروهای اداری به‌وجود آمدند. این نیروها از طریق نهادهای عمومی مثل شهرداری‌ها و یا بعضاً از طریق نهادهای حکومتی سعی در تصویب طرح‌ها و برنامه‌هایی داشت تا از طریق آن بتواند با این هدف نائل آید. ظهور بافت‌های منظم شهری و شهرهای دیگرامی (دارای طرح و نقشه) حاصل تأثیر نیروهای اداری بر بافت کالبدی شهرهاست که براساس ذهنیت یک شخص یا گروه به عنوان طراح و نگاهی بالا به پایین دارند. این بنیان‌ها نیز همانند دیگر بنیان‌ها در طول تاریخ حضور داشته و در برهه‌ای از زمان تقویت شده است. طرح‌های کنترلی رومیان برای شهرها از این جمله‌اند (موریس، ۱۳۸۵).

بنیان اجتماعی-فرهنگی

ویژگی‌های اصلی هر فرهنگی، چگونگی تقسیم جامعه به عرصه‌های عمومی و خصوصی است که ارتباطات اجتماعی را منعکس می‌کند و شکل می‌دهد. این تقسیم‌بندی طیف وسیعی را در برمی‌گیرد که دامنه‌ای از خصوصی‌ترین تا عمومی‌ترین عرصه‌های جامعه است. از نظر سنت «جوهر شهرنشینی» این است که مردم گوناگون «می‌توانند با هم عمل کنند» بدون آنکه «به اجبار همانند هم باشند». سنت (۱۹۹۰) تمدن‌های باستانی را به لحاظ مشارکت در زندگی عمومی ستایش می‌کرد. وی معتقد بود که زندگی عمومی مدرن، بیش از حد خصوصی شده و این وسواس جامعه مدرن در خصوص شخصیت‌هاست که عمده اعضای جامعه نقش واقعی در خلق آن ندارند.

در اینجا به این موضوع، پرداخته می‌شود که چگونه گروه‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی، ضمن حفظ شخصیت و استقلال خود می‌توانند دارای روابط اجتماعی بوده و در فضاهای گوناگون شهری تعامل داشته باشند. در شهرهای تاریخی خط آسمان شهری به‌صورت سلسله مراتبی از عمومی‌ترین عرصه تا فضاهای خصوصی

خط آسمان شهری مدرن

در جوامع باستانی به دلیل سرعت کم تغییرات، شهرها تحت تأثیر نیروهای کمتری بود و یا مجموعه بنیان‌ها در خدمت به یک بنیان غالباً خلاصه می‌شد. پس از دوران رنسانس و تغییر جایگاه انسان، شهر بر پایه‌های دیگری نیز استوار شد. بنیان‌هایی که دیگر در یک جهت واحد پیش نمی‌رفتند. انقلاب صنعتی و جریان‌ات روشنگری، موجب اهمیت یافتن فردیت انسان شد و نیروهایی را آزاد کرد که تا پیش از این در برابر عوامل غالب ماوراءالطبیعه و یا حکومتی فرصت خودنمایی نیافته بود. بنیان‌های جدید از علم و فناوری تازه نیز استفاده کرده و با کم‌توجهی بقیه عوامل و شرایط تاریخی، خط آسمان شهری را تحت تأثیر خویش قرار دادند. جامعه مدرن که به صورت جامعه‌ی منزوی شده و منزوی‌کننده، دیگر کمتر شاهد تعامل نیروها بود. با توسعه فناوری، مقیاس ساخت‌وسازها افزایش یافت. «از یک سو افزایش مقیاس عمومی ساختمان‌های معمولی، نمادهای سنتی خط آسمان شهری را در سیطره خویش گرفت و از سوی دیگر این یادمان‌های فراگیر جدید برای تجلیل از حرفه‌های خصوصی و دیگر مؤسسات خسته‌کننده بانک‌ها، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و شبیه آن بود» (Kostof, 1991, 319).

عناصر شاخص خط آسمان شهری سنتی با یک رقیب جدید روبه‌رو می‌شدند که در برابر عظمت معماری جدید روز به روز از اهمیت آنها کاسته می‌شد. از طرفی هم با شعار بریدن از تاریخ، ارتباط با بناهای تاریخی گسسته شده و هیچ ارتباطی میان خط آسمان شهری جدید و قدیم برقرار نمی‌شد (شکل ۵). بنیان‌های عقلانی که موجب رهایی بسیاری از نیروهای نهفته شده بود در منطق سرمایه داری انباشت برای نفع بیشتر، گرفتار آمده بود. پدیده‌ای که در نگاه متفکرین مکتب فرانکفورت عقلانیت ابزاری نامیده شد. انعکاس عقلانیت یک سویه شده و نمود انسان با خود بیگانه را می‌توان در دیالکتیک انسان، جامعه و طبیعت جست‌وجو کرد (هابرماس، ۱۳۸۱).

در حالی که دورنما و خط آسمان شهرهای پیش مدرن، همانند دوران مدرن، بیانگر شخصیت شهر است. اما در دوران پیش مدرن، همیشه مهم‌ترین بناها در مهم‌ترین مکان‌ها ساخته می‌شدند و مهم‌ترین بناها نیز شخصیتی قابل تشخیص داشت. خط آسمان شهر مدرن، اسیر سردرگمی و اغتشاش است. کالا شدگی خط آسمان

تملیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضا آسمان شهری

جدول ۱. بنیان‌های شکل‌گیری شهرها و تأثیرشان بر خط آسمان شهری

بنیان	ویژگی	تأثیر بر خط آسمان شهری	مثال
بنیان ماوراء طبیعی	- ساخت شهرها بر اساس قوانینی خدایگانی - پیروی از قوانین غیر قابل انعطاف - شکل‌دهی به ساخت اجتماعی و کالبدی در طول تاریخ و درمیان فرهنگ‌های گوناگون	- ساخت معابد بر روی تپه‌ها - احداث بناهای آیینی در مهم‌ترین قسمت شهر - معماری بناهای مذهبی به عنوان عنصر شاخص خط آسمان	آکروپولیس در یونان - تخت جمشید در ایران - کعبه در عربستان
بنیان سکولار (عقلانیت)	- پادشاهان و نخبگان جامعه سعی در اثرگذاری بر تحولات شهر داشته‌اند و در پی آن بوده‌اند که شهر را به نفع خودشان جهت دهند. - عقلانیت به عنوان رقیب نیروهای ماورائی ظاهر می‌شود و سعی در ایجاد نظم نوینی در شهر دارد. - تمایل به قالب کردن نظم هندسی به جهان استوار بر شهود انسانی و توسعه علم و فناوری استوار و الهام بخش مردم برای تصور جهان به عنوان ماشین	- دوگانگی در ساخت شهر و در نتیجه خط آسمان شهری - تباین بصری در منظر شهرها، میان کلیسا و حکومت و از طریق برج‌های مهم شهری و ناقوس کلیسا - اعلام استقلال از نیروهای ماورالطبیعی با فرم، رنگ، ارتفاع و مصالح - گفت‌وگو با بناهای آیینی در خط آسمان شهری	نقش جهان در اصفهان - شهر سینا در ایتالیا -
بنیان طبیعی	- تأثیر جبر محیط و محدودیت‌های آن - حاصل تجربه و احساسات شهروندان است. فرم زمین، توپوگرافی، شیب زمین، جهت باد	- بافت اندام‌واره شهری - دیدهای پی در پی - تباین‌های بصری	بافت ارگانیک شهرهای قدیم ایران. مانند یزد، شیراز، اصفهان، متأثر از مسیر آب‌های زیرزمینی - شهر رم و تأثیر از تپه‌هایش
بنیان فناوری	- ساخت باشکوه‌تر با استفاده از ابزار و فناوری کارا تر - ایجاد در اثر نیاز جامعه و به کارگیری شرایط و نظم نوین اجتماعی به دنبال خود	- تضاد در خط آسمان - توسعه عظیم علم و فناوری پس از انقلاب صنعتی - بناهای معارض با تاریخ از نظر مصالح، رنگ، فرم، ارتفاع	شهرهای اسلامی با حضور منارها و گنبدها. مانند اصفهان شهرهای پس از انقلاب صنعتی
بنیان اقتصادی	- یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده به ساختار اصلی شهر - بسیاری از کارهای معماری و شهرسازی امروز، محصول نیروهای اقتصادی است تا کار طراحان و برنامه‌ریزان شهری - آزادسازی بسیاری از نیروها با انقلاب صنعتی.	- پیدایش آسمان‌خراش‌های متعلق به طبقات اقتصادی نوظهور - ساختمان‌های یادمان در نقاط مختلف شهر - معماری بی‌توجه به خط آسمان در خدمت انباشت سرمایه - بی‌نظمی و ناهمگنی در ساخت کالبدی شهر - سیمای شهری نامنتجانس و پراکندگی عناصر اصلی شهر و تأثیر سرمایه در توسعه شهرها	نیویورک - شیکاگو - آسمان‌خراش‌های شرکت‌های بیمه
بنیان اداری	- برای مهار رشد لجام گسیخته شهرها - بر اساس ذهنیت فرد یا گروه خاص - دارای نگاهی بالا به پایین و تحمیلی	- فاقد کیفیت زیبا شناسانه بافت اندام‌واره - خط آسمان تقریباً یکنواخت - پرداختن به عملکرد و نقش شهرها و توجه کمتر به فرم و جنبه‌های زیباشناسانه	شهرهای جدید - بازسازی‌های پس از جنگ جهانی - طرح‌های جامع و تفصیلی
بنیان اجتماعی-فرهنگی	- تقسیم جامعه به عرصه‌های عمومی و خصوصی و انعکاس ارتباطات اجتماعی - ایفای نقش‌های مختلف هرکس در شهر در حوزه عمومی و در قلمرو توجهات خصوصی	- نماهای مختلف و نشان‌دهنده طبقات مختلف اجتماعی - سلسله مراتب خط آسمان شهری از فضاهای عمومی تا خصوصی	ونیز و سلسله مراتب کلیساها با توجه به محلات



شکل ۵. عناصر خط آسمان شهری دوران مدرن و ارتباط آن با عناصر خط آسمان شهرهای پیش مدرن. (ماخذ: مدنی پور، ۱۳۸۴)

جدول ۲. مقایسه میان خط آسمان شهری پیش مدرن و مدرن

پیش از مدرن	پس از مدرن
<ul style="list-style-type: none"> همانگی نسبی میان عناصر خط آسمان شهری؛ خط آسمان نماینده مذهب یا حاکمیت؛ رعایت سلسله مراتب در خط آسمان شهری از عمومی‌ترین نقطه شهر تا محلات خصوصی؛ استفاده از برترین فناوری و بهترین مصالح در عمومی‌ترین مکان؛ استفاده از عناصر مشترک در نمای ساختمان‌های ماورایی و دنیوی مانند استفاده از گنبد در هر دو یا منار، تاق و قوس؛ تنوع و استقلال کم نیروها در خط آسمان شهری؛ خط آسمان انسانی؛ پیوستگی در خط آسمان شهری؛ بیان‌کننده شخصیت شهر پیش مدرن. 	<ul style="list-style-type: none"> پست مدرنیسم مدرن اولیه مدرن عالی
<ul style="list-style-type: none"> - ظهور گروه‌های اجتماعی معترض به وضعیت سیاسی، زیست محیطی ناشی از اقدامات دوران مدرن؛ - ظهور نئولیبرالیسم و خصوصی شدن فضاهای عمومی؛ - جهانی شدن سرمایه و شبیه شدن خط آسمان بسیاری از شهرهای جهان؛ - کالاشدگی خط آسمان شهرها؛ - ازدست دادن مقیاس انسانی شهرها؛ - تحول در ارتباطات (اینترنت، مخابرات، تلویزیون)؛ - ظهور رشته‌هایی مانند طراحی شهری در مقابله با بحران‌های اجتماعی ناشی از دوران مدرن. 	<ul style="list-style-type: none"> - به خدمت گرفتن انواع فناوری‌ها به وسیله انواع گروه‌ها؛ - شروع دوگانگی در خط آسمان شهری؛ - استقلال نیروهای اقتصادی و پیدایش نیروهای بورژوا؛ - تضاد در جنس مصالح؛ - شروع تضاد در ارتفاع میان بافت قدیم و جدید شهر؛ - خط آسمان در خدمت نیروهای حاکمه مستبد مانند دوران هوسمان
<ul style="list-style-type: none"> شهر جولانگاه فناوری؛ شروع دوران فوردیست؛ قدرت گرفتن بنیان اقتصادی؛ خط آسمان غیر انسانی و در خدمت ماشین؛ عدم تداوم در خط آسمان شهری به واسطه حضور اتومبیل؛ ناهماهنگی در خط آسمان شهری؛ بریدن از تاریخ و خط آسمان گذشته؛ شهر به عنوان موتور محرک و قهرمان مدرنیته (دوسرتو، ۱۹۸۴)؛ زون بندی کردن شهرها به واسطه‌ی منشور آتن؛ ظهور شهرهای شکوهمند با ظهور نازیسم؛ ایجاد رشته‌های برنامه‌ریزی شهری برای کنترل آشفته‌گی شهرها و حضور بنیان اداری در سرنوشت شهرها؛ جنگ‌های جهانی و بازسازی‌های پس از آن. 	<ul style="list-style-type: none"> پاریس دوران هوسمان - شیکاگو در اواخر قرن نوزدهم
<ul style="list-style-type: none"> مثال شهرهای دوره‌ی اسلامی مانند یزد و اصفهان و شیراز - ونیز - سینا - شهرهای قرون وسطی 	<ul style="list-style-type: none"> بنیان اقتصادی - بنیان سکولار - بنیان اداری - بنیان فناوری
<ul style="list-style-type: none"> بنیان غالب بنیان ماورائی - بنیان طبیعی - بنیان حکومتی 	<ul style="list-style-type: none"> بنیان اقتصادی - بنیان سکولار - بنیان فناوری

4. Zeitgeist
5. Siena
6. monumental
7. Bottum Up Planning

فهرست مراجع

۱. بیکن، ادموند. (۱۳۷۶). *طراحی شهرها*. (فرزانه طاهری، مترجم). تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۹).
۲. پیوزی، مایکل. (۱۳۶۶). *یورگن هابرماس*. (احمد تدین، مترجم). تهران: انتشارات هرمس. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۰).
۳. نقی‌زاده، محمد؛ زمانی، بهادر؛ و کرمی، اسلام. (۱۳۸۹). *ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی دوران اسلامی*. *هویت شهر*، ۷، ۶۱-۷۴.
۴. کرمونا، متیو؛ هیت، تیم؛ اک، تنرو؛ و تیسدل، استیون. (۱۳۸۸). *مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری*. (فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، و اسماعیل صالحی، مترجمان)، تهران: انتشارات دانشگاه هنر. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۳).
۵. گروت، یورگ. (۱۳۸۳). *زیبایی‌شناسی در معماری*. (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون فر، مترجمان). تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۷).
۶. مدنی پور، علی. (۱۳۸۴). *طراحی فضای شهری*. (علی مرتضایی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۶).
۷. موریس، جیمز. (۱۳۸۵). *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*. (راضیه رضازاده، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۹).
۸. سلطانی، علی؛ و نامداریان، احمدعلی. (۱۳۸۹). *تأثیر نیروهای مختلف در شکل‌گیری فضای شهری*. *هویت شهر*، ۷، ۱۳-۱۲۳.
۹. هابرماس، یورگن. (۱۳۸۱). *بحران مشروعیت*. (جهانگیر معینی، مترجم). تهران: گام نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۳).
10. Bentley, I. (1999). *Urban transformations, power and urban design*. USA & Canada: Routledge.
11. Featherstone, M. (1992). *Postmodernism and the Aestheticization of Everyday Life*, in S. Lash and J. Friedman (eds) *Modernity and Identity*. Oxford: Blackwell.
12. Kostof, S. (1991). *The City Shaped Urban Patterns and Meanings through History*. Boston: Massachusetts: Bulfinch Press.

موجب می‌شود تا منطق سود و سرمایه در صدد تصاحب هرچه بیشتر ارتفاع برآید.

خط آسمان شهری مدرن از دوران ماشین، نیروهای اقتصادی نوظهور و زمانه سرعت سخن می‌گوید. شاید عمده‌ترین تفاوت میان خط آسمان شهری پیش‌مدرن و مدرن در مقیاس عظیم و غیر انسانی فضاهای مدرن باشد. آسمان‌خراش‌های عظیم، بزرگراه‌های چند طبقه، مؤسسات بیمه و شرکت‌های بزرگ تجاری با مقیاس غیرانسانی، همگی به عنوان نمایندگان عصر صنعت هستند و سعی در تسلط بر نیروهای سنتی را دارند. جدول ۲ به مقایسه خط آسمان در شهرهای پیش از مدرن و پس از می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

شهرها به عنوان یکی از پیچیده‌ترین دستاوردهای تمدن بشری، متأثر از عوامل پیچیده و زیادی است. بنیان‌های برشمرده شده هر کدام به صورت مجرد یا در ترکیب با هم به شهر و خط آسمان شهری شکل داده‌اند. با افزایش سرعت تغییرات شهرنشینی پس از انقلاب صنعتی، مفهوم فاصله و زمان تغییر پیدا کرده‌است. امروزه شهر و شهرنشینی در دوران کثرت عوامل تأثیرگذار بر تحولات شهری است. حضور هم‌زمان چند بنیان در تحولات شهری، موجب پیچیده‌تر شدن معادلات شهری شده‌است. دخالت این عوامل به صورت منفرد و بدون ارتباط با دیگر عوامل آشفتگی در شهر و خط آسمان شهری خواهد شده‌است. به نظرمی‌آید برای داشتن خط آسمان شهری متنوع و در عین حال هماهنگ، در وهله اول نیاز به پیوند دوباره حوزه‌های فلسفه، هنر و زندگی روزمره می‌باشد که از نگاه مجرد و انتزاعی کارشناسان مبرا باشد. توسعه حرفه‌های بین‌رشته‌ای مانند معماری و طراحی شهری یکی از اقدامات در این راستاست که بتواند نگاهی از پایین به بالا و مشارکتی به خط آسمان شهری داشته‌باشد. برای داشتن یک شهر هماهنگ و انسانی بایستی، نیروهای اقتصادی که هم‌اکنون کنترل فضاهای عمومی را به دست گرفته‌اند کنترل کرد. استفاده از بنیان‌های اداری و تقویت بنیان‌های اجتماعی می‌تواند راه‌گشا باشد. در زمینه‌ی طراحی شهری نیز، استفاده از گرایش‌های «مکان‌سازی» یا برنامه‌ریزی از پایین به بالا^۲ و مانند آن، که مبتنی بر مشارکت همه گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ است، به انسانی‌تر شدن شهرها کمک خواهد کرد.

پی‌نوشت‌ها

1. homogenization
2. Paul Wheatley
3. Hans Hollein

13. Kostof, S. (1992). *The City Assembled: Elements of Urban Form through History*. Little Brown, Boston: second printing Thames & Hudson New York 2005.
14. Madan pour, A. (2007). *Designing the City of Reason Foundation and Frameworks*. London & New York: Routledge.
15. Moughtin, C., Cuesta, R., Sarris, Ch., & Signoretta, P. (1992). *URBAN DESIGN: METHOD AND TECHNIQUES*. New York: Routledge
16. Sennett, R. (1990). *The Conscience of the Eye, the Design and Social Life of Cities*. New York: Alfred Knopf.



Analysis of Factors of Affecting City Skylines

Ahmad Ali Namdarian*, Ph.D. Student in Urban Planning and Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, IUST (Iran University of Science and Technology), Tehran, Iran.

Ali Ghaffari, Ph.D., Professor of Urban Design, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mahmoud Ghale noee, Ph.D., Assistant Professor and Director of Urban Studies Department, Art University of Isfahan, Tehran, Iran.

Ali Soltani, Ph.D., Associate Professor of Urbanism, Shiraz University, Shiraz, Iran.

... Abstract

City view can be considered as the embodiment of cityscape and affects social and economic values. Historical cities in Iran and Europe have had a kind of harmony between physical and social fabrics which in turn shows what great attention has been paid to skyline and its details. Nowadays, however, fast-occurring changes inhibit the linking of social character and physical fabric and giving rise to extraversion. The only thing observable in general these days is fabrics with no identity containing monotonous space or highly visionary chaos. This article tries to address various reasons that affect the shaping of cities and their skylines through the thematic study of some reasons such as supernatural or ideological, secular, natural, technological, administrative, economic and social reasons. Based on the chronological studies, Primary cities were more or less influenced by supernatural and then secular or natural reasons. Due to these reasons, they tend to have an organic fabric and a kind of harmony in their skylines.

It is observable that in this era, the most important parts of a city are the most public ones. It is by no means difficult to distinct public spaces due to their hierarchical organization. In the next section, through a critical point of view, modern and pre modern skylines are compared. Modern skyline, which has emerged with modern notions as a symbol of speed and the machine era, is being influenced by economic and capitalistic reasons. In this era we deal with the "reification of skyline". City skyline has been sacrificed by the economic power of these reasons and, as a result, it has lost its human scale as one of the important aspects of pre modern cities. A comparison between the pre-modern skyline and its successors shows that the reasons which affect city skylines have risen in the modern era. Following the logic of the modern era, many reasons separate themselves from metaphysics and monarchies, though this separation is uncontrolled. Modern era, however, is divided into three parts: Primary-modern, great-modern and post-modern eras. Due to the great improvement in technology, primary-modern cities could be regarded as machine cities. On the other hand, technology empowers classes which cannot be considered as independent till those times such as Fordism. Since that time, these classes have developed the ability to control capital and following that, they managed to affect the evaluations of cities. In the late modern era, economic power got stronger as neo-liberalism emerged and played a major role in the form of city skylines. Public spaces have gotten increasingly privatized. Due to all of these, the modern era is to be recognized as plural in reasons.

Besides recognizing all the reasons shaping cities, it is essential to control the construction in a way that skyline turns to be the symptom of urban space. The Economic reason is to be controlled by the administrative and social reasons should be taken into account. As pre-modern cities, The Human scale can be already considered as the most important factor of our cities.

... **Keywords:** City skyline, Reason, Modern city, Chaos, Harmony

* Corresponding Author: Email: Ahmadnamdarian@arch.iust.ac.ir